

تبیین مؤلفه‌های رشد اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه در چارچوب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

شهرام رنج‌دوست**

آذر عباس‌زاده*

محمد عظیمی***

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰

چکیده

آموزش مفاهیم اخلاقی، در شکل‌گیری هویت و بهبود ارتباطات اجتماعی دانش‌آموزان اهمیت بسیاری دارد. با این وجود، مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد ارزش‌های اخلاقی آنچنان‌که باید در وجود آنان نهادینه نشده است و دانش‌آموزان دچار بحران هویت، معنویت و اخلاق شده‌اند. از این رو، لازم است مؤلفه‌های رشد اخلاقی که بتواند نیازهای آموزش مفاهیم اخلاقی را در آنان برطرف سازد، تبیین شود. لذا هدف از پژوهش حاضر، تبیین مؤلفه‌های رشد اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، در چارچوب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است. پژوهش حاضر، با روش توصیفی، کتابخانه‌ای و استنادی صورت گرفت. جامعه موردبررسی در این پژوهش، اسناد مکتوب، تجارب جهانی، مبانی نظری و پیشینه‌های موجود در ارتباط با رشد اخلاقی و تعلیم و تربیت اسلامی بود و روش نمونه‌گیری به صورت هدف‌مند بوده و تا رسیدن به اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. یافته‌ها نشان می‌دهد با بررسی مبانی نظری مربوط به رشد اخلاقی و تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۸۸ مؤلفه رشد اخلاقی به دست آمد و با تحلیل و ادغام این تعداد مؤلفه، ۷ مؤلفه اصلی و ۱۴ مؤلفه فرعی رشد اخلاقی استخراج شد. از جمله: ۱. مؤلفه بازشناسی امور خوب از بد و کشاندن به سوی ارزش‌ها شامل مؤلفه‌های انتخاب و تصمیم‌گیری، بایدها و نبایدها و... بود، ۲. مؤلفه استدلال‌گرایی و قضاوت درست شامل رسیدن به بینش، ایجاد درک درست و... بود. ۳. مؤلفه شکفتن قابلیت‌ها شامل تعالی وجود، ۴. مؤلفه اصول عام و فراگیر شامل اصول اخلاق قراردادی، ۵. مؤلفه خودسازی و خودباوری شامل شهودگرایی و...، ۶. مؤلفه حکمت عملی شامل رفتارهای انسانی، و ۷. مؤلفه قانون‌مداری شامل توجه به قوانین و مقررات بود. نتایج به دست‌آمده نشان می‌دهد از میان مؤلفه‌های فرعی به دست‌آمده، مهم‌ترین نیاز، افزایش توجه به مؤلفه "اصول اخلاق قراردادی" است.

کلیدواژه‌ها: رشد اخلاقی؛ دوره اول متوسطه؛ دانش‌آموزان؛ فلسفه تعلیم و تربیت

* دانشجوی دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

a.abaszadeh65@gmail.com

** نویسنده مسئول: استادیار گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

dr.ranjdoust@gmail.com

mohamadazami19861986@gmail.com

*** استادیار، گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

تلاش هر نظام تربیتی، این است که اصول، روش‌ها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج نماید و بتواند خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی، برآورده سازد. اگر یک نظام تربیتی بخواهد بدون توجه به دگرگونی‌های محیطی، از اصول و شیوه‌های معین، به‌نحو ثابت برای همه زمان‌ها و مکان‌ها استفاده کند، موفق نخواهد بود (باقری، ۱۳۹۵: ۵۸). در عصر حاضر، اخلاق دچار نابودی شده است؛ به‌همین دلیل، تباهی و بی‌نظمی نیز بسیار گسترش پیدا کرده و مرزها را درهم شکسته و تا اقصی‌نقاط جهان پیش رفته است. بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و کم‌رنگ‌شدن آن در تربیت نسل جدید نیز به‌چشم می‌خورد و یکی از دلایل مهم این مشکلات، نپرداختن متفکران و اندیشمندان تعلیم و تربیت به مسائل ارزشی و اخلاقی است (امیدی و فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴: ۴۰).

به‌طور کلی، اخلاق، جمع خُلق و به‌معنای نیروی درونی فرد است که با چشم باطنی درک می‌شود. اخلاق، حالت یا صفت نفسانی خوب یا بد است و علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه کسب صفات خوب و انجام افعال پسندیده و دوری از صفات نفسانی و افعال بد را نشان می‌دهد (سلحشوری و خنکدارطراسی، ۱۳۹۲). همچنین رشد اخلاقی عبارت است از برانگیختن، بیدار کردن و تقویت صفات و فضایل انسانی و جلوگیری نمودن از رشد صفات ناپسندی که مایه انحراف از حالات انسانی را فراهم می‌آورد (ملکی، ۱۳۹۴). همین‌طور، "منظور از رشد اخلاقی، نوعی تغییر است که قلمروهای عقلی، عاطفی و رفتاری را دربرمی‌گیرد. عنصر عقلانی تربیت اخلاقی، معطوف به ایجاد درک اخلاقی برای بازشناسی امور خوب از بد است" (حسنی و وجدانی، ۱۳۹۶: ۳۰).

علاوه بر این، رشد اخلاقی بر ظهور و تغییر اخلاق از تولد تا بزرگسالی متمرکز است. اخلاق در طول عمر رشد می‌کند و تحت تأثیر تجربه فردی و رفتار آنها قرار می‌گیرد (نایتو، ۲۰۱۳). همچنین تربیت اخلاقی، عامل شکوفایی استعدادهای علمی و عملی اخلاق است و پرورش شخصیتی آراسته به فضایل اخلاقی را مدنظر دارد. تربیت اخلاقی، نه‌تنها برای سعادت اخروی انسان ضروری است، بلکه زندگی دنیایی را نیز سامان می‌دهد (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳). آموزش

مباحث اخلاقی از آن جهت واجد اهمیت است که می‌تواند باعث رشد اخلاقی شود و امکان دستیابی به راه‌حل مناسب هنگام بروز مشکلات اخلاقی را تسهیل کند (رضا خلیج‌زاده، ۱۳۹۴). لازم به ذکر است، رشد اخلاقی و بحث‌های مربوط به آن، دارای ارتباط عمیقی با فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است. به‌طوری‌که، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی یکی از علوم میان‌رشته‌ای اسلامی، هم حاوی بنیان‌های فلسفی و هم دارای مدل‌های تربیتی است. به بیان دیگر، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، یکی از علوم فلسفی اسلامی است که با روش تعقلی به بازساخت منظم بنیان‌های فلسفی و نظری تعلیم و تربیت اسلامی از یک سو و استنتاج و استنباط مدل‌های تربیتی متناسب با آنها از سوی دیگر می‌پردازد (بهشتی، ۱۳۹۰). یکی از علوم فلسفی اسلامی یا فلسفه‌های مضاف اسلامی این است که با روش تعقلی و استدلالی، به تحلیل و تبیین و اثبات مبادی تصویری و تصدیقی تعلیم و تربیت اسلامی می‌پردازد (اردبیلی و بهشتی، ۱۳۹۳). فلسفه تربیت اسلامی، یکی از اساسی‌ترین بخش‌های معارف اسلامی است. همچنین در نظام آموزش و پرورش ایران، سعی بر آن است که تربیت دانش‌آموزان، ماهیتی اسلامی داشته باشد (باقری، ۱۳۹۵). هدف این مقاله تبیین مؤلفه‌های رشد اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه در چارچوب فلسفه تعلیم و تربیت است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رویکردهای گوناگونی در رابطه با رشد اخلاقی وجود دارد و سه رویکرد "رشدی شناختی"، "رویکرد اخلاق غمخواری" و "رویکرد تربیت منش"، به‌عنوان نمایندگان اصلی رویکردهای رشد اخلاقی تبیین شده‌اند. رویکرد رشدی شناختی، بر رشد و پرورش شناخت اخلاقی و داوری اخلاقی تأکید دارد. مفروض این رویکرد آن است که هرگاه متریبان بتوانند به‌درستی داوری اخلاقی کنند، به‌سوی رفتارهای درست گرایش پیدا کرده و از رفتارهای ناشایست دوری می‌کنند. همین‌طور، در رویکرد اخلاق غمخواری، رفتار اخلاقی مبتنی بر حس همدردی یا همدلی است؛ به‌عبارت دیگر، اخلاقی بودن، یعنی مطابق حس همدردی رفتار کردن. همچنین مطابق رویکرد تربیت منش، انسان باید فضیلت‌مندانه زندگی کند و اخلاق به تمامی اعمال انسان، یعنی به تمام زندگی او مربوط شود. رویکرد تربیت منش عبارت است از تلاش عمدی برای کمک به افراد، جهت درک

ارزش‌های اخلاقی اصیل، مراقبت از آنها و عمل بر مبنای آنها. تربیت اخلاقی برای پروردن ملکات پسندیده به‌ویژه فضایل اصلی (شجاعت، خویشتن‌داری و عدالت) انجام می‌گیرد و در صورت توفیق در این امر، فضایل فرعی نیز تحصیل می‌شوند (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳).

علاوه بر این، از نظریه‌های ارائه شده در رابطه با رشد و تربیت اخلاقی می‌توان به نظریه پیاژه اشاره کرد. طبق نظریه پیاژه رشد اخلاقی در کودکان دارای توالی ثابت و نامتغیری است که از یک مرحله اولیه که مرحله «واقع‌نگری اخلاقی» نام دارد آغاز می‌شود و پس از چند سال به یک مرحله کامل‌تر به نام «اخلاق توافقی» یا «اخلاق خودگردان» منتقل می‌شود و هیچ‌کس قادر نیست بدون طی مرحله واقع‌نگری اخلاقی به مرحله کامل‌تر پس از آن راه یابد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱). همینطور، بندورا نظریه شناختی اجتماعی را عرضه کرد که استدلال اخلاقی، تنها در ارتباط با سایر عوامل روانی - اجتماعی می‌تواند رفتار و سلوک اخلاقی را اداره کند. گاه در برخی موقعیت‌ها حتی اصولی‌ترین افراد هم رفتار خود را با پیامدهای پیش‌بینی شده اجتماعی تنظیم می‌کنند (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۲). کلبرگ، طبق نظریه خود، شروع رشد اخلاقی را برای کودکان در سنین بالاتر از ۱۲ سال نیز در نظر می‌گیرد و محدود به سنین زیر ۱۲ سال نمی‌داند. از نظر کلبرگ مراحل رشد اخلاقی به صورت ذیل تحقق می‌پذیرد: الف. سطح اخلاق پیش‌قراردادی؛ کودک در این سطح رفتارهای خود را بر اساس پیامدهای مادی آن (تشویق و تنبیه) و یا قدرت کسانی که قوانین را برایش وضع می‌کنند (مثلاً پدر و مادر) تنظیم می‌کند. اخلاق در این دوره هنوز نهادینه نشده است و در واقع، معیارهای اخلاقی خاصی برای او وجود ندارد. ب. سطح اخلاق قراردادی که رفتار فرد در این سطح، در جهت سازگاری و هماهنگ شدن با نظم اجتماعی است. از این‌رو، اخلاق او از تمایلی سرچشمه می‌گیرد که وی برای حفظ و نگهداری این نظم دارد. در این مرحله نیز معیارهای اخلاقی هنوز درونی و نهادینه نشده است. ج. سطح اخلاق پس‌قراردادی و مبتنی بر اصول اخلاقی؛ اخلاق فراتر از قراردادهای اجتماعی می‌رود و بر اساس اصول عام و فراگیر مبتنی می‌شود. فرد تصمیم‌های اخلاقی خود را مستقل از قدرت اطرافیان و پدر و مادر می‌گیرد و سرپیچی از اصول عام و جهانی باعث احساس گناه و محکومیت او می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱).

همچنین، برنامه رشد اخلاقی مؤثر، برنامه‌ای است که نه تنها باید شناخت‌ها، گرایش‌ها و عواطف اخلاقی را رشد دهد، بلکه تحقق اخلاقیات را در رفتار تضمین کند (وجدانی، ۱۳۹۱).

براین اساس می‌توان مقوله‌های اساسی را به ترتیب زیر برای یک برنامه رشد و تربیت اخلاقی مؤثر در نظر گرفت که عبارتند از:

معرفت؛ معرفت مقدمه ضروری هر عمل ارادی است و انسان تنها آن کاری را اراده می‌کند که نسبت به آن، معرفت حاصل کرده باشد. عواطف نیز به‌عنوان برانگیزاننده عمل، عموماً مبدأ معرفتی دارند. لازم است احکام اخلاقی برای متریان تبیین شود. این امر گرچه لزوماً به انتخاب واقعی و انجام عمل صالح منتهی نمی‌شود و نیازمند تحقق عناصر دیگری مانند اراده نیز هست، اما معرفت، مقدمه ضروری و شرط لازم برای عمل اخلاقی است و منجر به بازشناسی و تفکیک اولیه اعمال مختلف و پیامدهای آنها می‌شود. معرفت اخلاقی، جنبه محتوایی و فرایندی دارد و دست‌کم مشتمل بر موارد زیر است: معرفت به مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی، شناخت فضایل و رذایل، معرفت به چرایی‌ها، معرفت به چگونگی‌ها، شناخت روش‌های تهذیب نفس از رذایل و آراستن نفس به فضایل و استدلال و قضاوت اخلاقی (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳).

عواطف؛ معرفت، به‌تنهایی محرک انسان برای عمل نیست. عواطف و هیجانات هستند که حالت برانگیختگی در دستگاه بدن ایجاد می‌کنند و آنها را برای پاسخ‌دهی به خواسته‌های انسان آماده و تنظیم می‌نمایند. حب و بغض دو عاطفه اصلی انسان است که تمام امور زندگی و فعالیت‌های انسان را اداره می‌کند. محبت به‌تعبیر علامه می‌تواند از قسم طبیعی، خیالی یا عقلی باشد؛ یعنی گاهی چیزی را دوست داریم که خیال می‌کنیم کمال ماست، درحالی‌که برای سعادت واقعی ما مضر است، و بالعکس. بدین ترتیب، جهت‌دهی، کنترل و عقلائی کردن عواطف بخش مهمی از تربیت اخلاقی است.

عمل اخلاقی؛ عمل اخلاقی، عملی است اختیاری و هدف‌مند. البته ملکه نفسانی، در گرو تکرار عمل است. لذا در تربیت اخلاقی، فرد به مداومت بر عمل، ترغیب می‌شود تا درنهایت، ملکه فاضله و عمل اخلاقی به‌معنای واقعی به‌دست آید. به‌هرحال، عمل اخلاقی و مداومت بر آن، مرکز ثقل برنامه رشد و تربیت اخلاقی است؛ زیرا عمل صالح باعث پیدایش، ریشه‌دار شدن و تثبیت علم در نفس، ارتقای ایمان، ایجاد ملکات و تقویت اراده می‌شود (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳).

قواعد اخلاقی؛ قواعد اخلاقی که حکم اخلاقی موقعیت را مشخص می‌کند، عبارتند از: وفاداری نسبت به قول‌هایی که داده‌ایم و باید به آنها عمل کنیم؛ سپاس‌گزاری نسبت به کارهایی

که دیگران در گذشته برای ما انجام داده‌اند؛ عدالت در توزیع لذت و خوشایند؛ احسان به دیگران؛ خودشکوفایی و آسیب‌نرساندن به دیگران. این قواعد اخلاقی مطلق نیستند و در نظر اول وظیفه را مشخص می‌کنند و هرگاه در یک موقعیت اخلاقی، دو یا چند قاعده با یکدیگر تضاد پیدا کنند، نیازی نیست که به قاعده مطلق بالاتر از اینها مراجعه کنیم (ضیایی مؤید و شرفی، ۱۳۹۵).

امروزه، بشر دچار بحران هویت معنویت و اخلاق شده است. از این رو، نیاز بشر به تزکیه و پرورش، به مراتب بیش از نیاز او به تعلیم و آموزش است (شاملی و همکاران، ۱۳۹۰). عدم رعایت اصول اخلاقی و پایبند نبودن به آن، روابط اجتماعی افراد را مختل کرده و شیرازه نظم اجتماعی را به هم می‌زند. بیشتر برخوردهایی که در مدارس بین دانش‌آموزان و نیز دانش‌آموزان با معلمان پیش می‌آید، ناشی از این است که ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی آنچنان که باید در وجود دانش‌آموزان نهادینه نشده است (مهدوی و زارعی، ۱۳۹۰). رفتارها و تفکرات غیر اخلاقی مانند تعصب، اشتباهات و واکنش‌های احساسی، می‌تواند تصمیم‌گیری‌های اخلاقی را تضعیف کند (تالف، ۲۰۱۱). تجربیات موجود، نشانگر آن است که مسئله آموزش مفاهیم اخلاقی و دینی از وضعیت مطلوب برخوردار نیست و گاه با تأثیرات معکوس نیز همراه شده است. بسیاری از این مسائل و مشکلات را باید در عدم شناخت صحیح از ویژگی‌های رشدی و روحیات دانش‌آموزان جستجو کنیم. متأسفانه از جمله بزرگترین این غفلت‌ها عدم توجه به مراحل رشدی دانش‌آموزان است (باهنر، ۱۳۹۴).

با این وجود، می‌توان رهنمودها و راهکارهایی جهت حل این بحران‌ها و مشکلات ارائه نمود از جمله:

- در تدوین هدف‌ها، باید معیارهایی مثل توالی، استمرار، جامعیت، وسعت و پیوستگی و تعادل مورد توجه قرار گیرد. اهداف در حیطه شناختی در تمامی سطوح شامل دانش، درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل و ارزشیابی طراحی شود و هنگام تدوین اهداف، اعم از حیطه عاطفی و روانی - حرکتی توجه گردد (کشاورز، ۱۳۸۷).

- حجم و محتوای کتاب‌های درسی و ساعت‌ها و روزهای آموزشی با توانمندی‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان متناسب‌سازی شوند.

- حاکمیت رویکرد فرهنگی - تربیتی در تولید محتوا و تقویت شایستگی‌های پایه دانش‌آموزان رعایت شود.

- تدوین برنامه‌های عملیاتی لازم در راستای ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی در محیط‌های تربیتی با استفاده از تمام ظرفیت‌های آموزشی و تربیتی باتأکید بر اولویت کرامت و عزت‌نفس، حیا و عفت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و نظم در تمام دوره‌های تحصیلی (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

- در خصوص فراگیران باید دو چیز مدنظر قرار گیرد: نیازهای فراگیران و علایق فراگیران. نیازهای فراگیران را در یک جمع‌بندی کلی می‌توان به دو گروه نیازهای عمومی و اختصاصی تقسیم‌بندی نمود. برای تنظیم اهداف تربیت باید هر دو گروه مدنظر باشند. برای شناسایی نیازهای عمومی فراگیران می‌توان از مطالعات علما و دانشمندان و روان‌شناسان بهره گرفت و برای شناسایی نیازهای اختصاصی باید محلات، مناطق و... توجه نمود و نیازهای اختصاصی ممکن است از شهری به شهر دیگر، از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد (ملکی، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی، دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه (دوره سنی ۱۲ تا ۱۵ سال)، دارای ویژگی‌های خاصی هستند. آنان تفکر انتزاعی و تحلیلی دارند. همسالانشان بر آنها غلبه دارند و می‌خواهند مستقل و متکی به خود باشند، تابع قوانین اکثریت هستند، مگر اینکه رفاه شخصی آنان به‌خطر بیفتد. دوست دارند فعالیت‌ها با همکاری صورت گیرد. این دوره سنی مستلزم کمک به فرد است که تعارض‌های ارزشی خود را حل کند. در دوره سنی دوازده تا پانزده سال، فرد می‌تواند موقعیت‌های فرضی را در نظر بگیرد، به ایدئال‌هایش بیندیشد و انتقادپذیر و واقع‌گرا باشد. در این هنگام، فرد می‌تواند چارچوب‌ها را بشکند، ارتباطات جدید را ببیند و روابط جدید را تقویت کند (زندوانیان، ۱۳۹۴). در این مرحله سنی، ارزش‌های فرد براساس تأیید افراد مهم، تعیین می‌شود. باورها و ارزش‌هایی که در معرض تفکر انتقادی قرار نگرفته‌اند، به‌طور عمیق حفظ می‌شوند (پارکر، ۲۰۰۹). همچنین، انتظارات و ارزشیابی‌های دیگران ممکن است آن‌قدر درونی شود که استقلال و خودمختاری افراد در قضاوت‌ها و اعمال به‌خطر افتد یا احساس کنند وجودشان بی‌معنا و بی‌فایده است (زندوانیان، ۱۳۹۴). دانش‌آموزان در این سن، در سطح اخلاق پس‌قراردادی و مبتنی بر اصول

اخلاقی قرار دارند. اخلاق فراتر از قراردادهای اجتماعی می‌رود و براساس اصول عام و فراگیر مبتنی می‌شود. دانش‌آموز تصمیم‌های اخلاقی خود را مستقل از قدرت اطرافیان و پدر و مادر می‌گیرد و سرپیچی از اصول عام جهانی باعث احساس گناه و محکومیت او می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱).

علاوه بر این، پژوهش‌هایی در حیطه رشد اخلاقی انجام یافته است؛ از جمله: حسنی و وجدانی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان "تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر تربیت اخلاقی" به این نتایج دست یافتند که رویکرد برنامه درسی مطالعات اجتماعی، بین برنامه‌ای یا تلفیقی است. اهداف اخلاقی در کنار دیگر اهداف درسی قرار گرفته‌اند و محتوای کتاب‌های درسی هم به تبع اهداف، دارای مضامینی اخلاقی است. مدل هدف‌گذاری، هرمی است. همچنین برای یاددهی - یادگیری از روش‌هایی همچون بحث گروهی، بحث درباره موقعیت‌های اخلاقی فرضی، الگوپردازی، روش توضیحی و روش ایفای نقش استفاده شده است. اشکال ارائه محتوای اخلاقی نیز به‌طور عمده شامل متن، تصویر و فعالیت است. برای ارزشیابی نیز افزون بر شیوه‌های معمول، روش‌هایی همچون خود ارزیابی نیز پیشنهاد شده است. حسنی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان "بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی" به این نتایج دست یافت که وضع موجود برنامه‌درسی تربیت اخلاقی «فرا برنامه درسی تربیت اخلاقی آشفته» است و پیشنهاد این پژوهش نیز تدوین و تصویب فرا برنامه درسی تربیت اخلاقی برای دوره ابتدایی، بیان شده است.

همچنین امیدی و فضل‌الهی قمشی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان "پژوهشی در اصول و روش‌های تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی(ع) و ژان ژاک روسو" به این نتایج دست یافته‌اند که اصول مشترک تربیت اخلاقی امام علی(ع) و روسو به ترتیب عبارتند از: تربیت اخلاقی تدریجی، تربیت اخلاقی آزادمنشانه و تربیت اخلاقی الگوگیری. روش‌های تربیت اخلاقی امام علی(ع) عبارتند از: روش حکمت، روش عقلانی و روش تربیت منفی. روش‌های تربیت اخلاقی روسو نیز عبارتند از: روش تجربی، روش عقلانی و روش تربیت منفی. همچنین، خدایار (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان "بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی، فارسی و هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی" دریافته است که بیشترین میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی، در کتاب مطالعات اجتماعی بود و همین‌طور بیشترین میزان توجه مربوط

به گویه پرهیز از اسراف و تبذیر و کم‌ترین میزان توجه مربوط به گویه قناعت و ساده‌زیستی بوده است.

همین‌طور، کیلن^۱ و اسمیتانا^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان "رشد اخلاقی و ریشه آن" به این نتایج دست یافته‌اند که اخلاق موضوع اصلی تحقیق‌های علوم انسانی محسوب می‌شود. تعارضات کودکان با همسالان خود، اهمیت توجه به کیفیت رشد اخلاقی را بالا برده است. تعاملات اجتماعی در کودکان فرصت‌های زیادی برای یادگیری، همکاری، احترام، وفاداری و رفتار صمیمانه با هم را فراهم می‌کند. هورنبرگ^۳ (۲۰۱۵) تحقیقی با عنوان "آموزش اخلاقی در ژاپن" انجام داده است و به این نتایج دست یافته است که معلمان در اداره کلاس خود از خودمختاری کم‌تری برخوردارند و استقلال کم‌تری دارند و مجبور به استفاده از کتاب‌های وزارت آموزش و پرورش هستند. بنابراین، باید آموزش و پرورش اخلاقی، از یک مطالعه جزئی و محدود به یک مطالعه کلی‌تر در حوزه برنامه درسی رسمی ارتقا یابد. ناروا^۴ و مارکوا^۵ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "رشد تفکر اخلاقی" به این نتایج دست یافته‌اند که تخیل، تصور، احساس و اخلاق به شیوه‌ای متفاوت با تجارب فردی تعامل دارند. این تعاملات متفاوت می‌تواند به تعاملات مختلف از جمله تعامل فردی، تعامل عاطفی و تعامل مثبت منجر شود. برخلاف تصور عمومی، یک درک همه‌جانبه در رابطه با یک ارتباط، اندیشه یا عمل، بالاترین شکل حساسیت اخلاقی را بین افراد نشان می‌دهد. رشد اخلاقی باعث افزایش کیفیت روابط جمعی ما می‌شود و دل‌بستگی‌های قابل توجه شخصی را تشکیل می‌دهد.

همچنین ماکسول^۶ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "آموزش اخلاق" بیان می‌دارد که در آموزش اخلاقی، کودکان و نوجوانان هنگامی که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، هدف‌های مربوط به فعالیت‌های خود را درک می‌کنند. یادگیری با زندگی فعلی و آینده آنها ارتباط پیدا می‌کند. همچنین آنها می‌توانند یادگیری خود را در تصمیم‌گیری مربوط به زندگی خود اعمال کنند. نورنزیان^۷ (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان "آیا دین انسان را اخلاقی می‌کند؟" به این نتایج دست یافت

1. Killen
2. Smetana
3. Hornburg
4. Narvaez
5. Mrkva
6. Maxwell
7. Norenzayan

که اولاً، آگاهی از سازوکارهای موجود در ادیان، افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در این راستا، ادیان، رفتار اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دوم، ارتباط دین با اخلاق از نظر فرهنگی ثابت نیست و این ارتباط در گروه‌های کوچک و ضعیف است و با توجه به بزرگی گروه‌ها و پیچیدگی اجتماعی جوامع افزایش می‌یابد. سوم اینکه تمایل اخلاقی که موجب تشریک مساعی می‌شوند، مستقل از دین تکامل می‌یابد. اندرسون^۱ (۲۰۱۳) تحقیقی با عنوان "بازتابی از دین و اخلاق در کشور غنا" انجام داده است و نتایج نشان داده است که سنت و فرهنگ مرسوم جامعه، مفاهیم و مؤلفه‌های اخلاق آن جامعه را تعیین نمی‌کنند بلکه جامعه به وسیله دین و اخلاق رشد می‌کند و توسعه می‌یابد و تقریباً تمام آداب، رسوم و سنت‌ها براساس دین و اخلاق رونق پیدا می‌کنند، بنابراین، دین تعیین‌کننده مؤلفه‌های اخلاقی جامعه است نه سنت و آداب و رسوم. بر همین اساس، مسئله این پژوهش آن است که با وجود تلاش‌های فراوان نظام‌های تربیتی در سراسر جهان و توسعه مباحث اخلاقی، انحرافات اخلاقی گوناگونی بین نوجوانان و جوانان رو به افزایش است و تربیت و رشد اخلاقی دانش‌آموزان، با دشواری‌ها و بن‌بست‌های بسیاری روبه‌روست. همچنین آموزه‌ها و ارزش‌های اخلاقی، آن‌طور که باید در وجود دانش‌آموزان نهادینه نشده است و مسئله آموزش اخلاق از وضعیت مطلوب برخوردار نیست و آموزش مسائل اخلاقی گاه با تأثیرات معکوس همراه می‌شود. در این میان، عدم رعایت اصول اخلاقی و پاییدنبودن به آن، روابط اجتماعی افراد را مختل کرده و شیرازه نظم اجتماعی را به هم می‌زند. اگر تربیت اخلاقی متناسب با مراحل رشدی دانش‌آموزان و درک و فهم آنها صورت نگیرد، نمی‌توان مفاهیم اخلاقی را برای آنها به‌خوبی آموزش داد و آنها را برای قبول مسئولیت‌های اجتماعی در آینده آماده کرد. علاوه بر این، در صورت تبیین مؤلفه‌های رشد اخلاقی مناسب و تطابق مفاهیم با علایق و نیاز دانش‌آموزان و تناسب مفاهیم با ارزش‌های اسلامی، تغییر و تحول‌های موجود و نیازهای روز، دانش‌آموزان می‌توانند به رشد اخلاقی برسند و از انحرافات اخلاقی در امان بمانند. همچنین آموزش این مفاهیم، در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان، اهمیت بسیاری خواهد داشت. لذا هدف این پژوهش این است که مؤلفه‌های رشد اخلاقی را برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی تبیین نماید. از این رو، سؤال این پژوهش این است که مؤلفه‌ها و مفروضه‌های مطلوب رشد اخلاقی با توجه به تجارب و تطابق جهانی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه کدامند؟

1. Anderson

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و با روش توصیفی، استنادی و کتابخانه‌ای انجام یافته است؛ به طوری که اسناد مکتوب، مبانی نظری، تجارب جهانی و پیشینه‌های موجود در ارتباط با رشد اخلاقی و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مکرراً مورد مطالعه قرار گرفت و جملات و کلمات دارای اهمیت ویژه، انتخاب و فیش برداری شد و مورد بررسی قرار گرفت. به این صورت که، داده‌های به دست آمده از بررسی اسناد و مبانی نظری، با مفهوم‌پردازی داده‌ها که به کدگذاری مرسوم است، مورد بررسی قرار گرفت. مراحل کدگذاری مورداستفاده، شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. در مرحله کدگذاری باز، مجموعه اطلاعات گردآوری شده از اسناد و مدارک، مطالعه شد و مفاهیم مستتر در آن استخراج، بازشناسی و نام‌گذاری و سپس، براساس ارتباط با موضوعات مشابه، خلاصه و طبقه‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری، ارتباط بین خرده‌مقولات ایجادشده در مرحله کدگذاری باز، یافت شد و این عمل براساس الگوی پارادایمی انجام شد تا فرایند نظریه‌پردازی به سهولت انجام شود. در این مرحله، مقوله‌های اصلی در مجموعه داده‌ها مشخص شدند. در مرحله کدگذاری انتخابی، مؤلفه‌های اصلی به طور منظم سازماندهی شدند و سایر مؤلفه‌ها به عنوان مؤلفه‌های فرعی، با مؤلفه اصلی ارتباط داده شدند. لازم به ذکر است که کدگذاری تا مرحله رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. جامعه موردبررسی در این پژوهش، اسناد و مدارک مکتوب، مبانی نظری، تجارب جهانی و پیشینه‌های موجود در ارتباط با رشد اخلاقی و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بود. نمونه‌گیری در تمام مراحل، به صورت هدف‌مند و ملاک محور بود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. ابزار مورداستفاده جهت تبیین مؤلفه‌های رشد اخلاقی، فیش برداری بود. به طوری که با مطالعه پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی، مبانی نظری، جملات و کلمات دارای اهمیت ویژه با فیش برداری، جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفت. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، به روش کیفی - توصیفی صورت گرفت و فراوانی داده‌ها به صورت درصد و رتبه در جدول نمایش داده شد تا بتوان میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها را مقایسه کرد.

یافته‌ها

با توجه به جدول ۱ با بررسی مبانی نظری، اسناد مکتوب و پیشینه‌های مربوط به رشد اخلاقی و تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۸۸ مؤلفه رشد اخلاقی به دست آمد و با تحلیل و ادغام این تعداد مؤلفه، ۷ مؤلفه اصلی و با تحلیل مؤلفه‌های اصلی، ۱۴ مؤلفه فرعی رشد اخلاقی استخراج و فراوانی آنها، نیز محاسبه شد. به طوری که مؤلفه بازشناسی امور خوب از بد و کشاندن به سوی ارزش‌ها شامل انتخاب و تصمیم‌گیری، بایدها و نبایدها و بازشناسی امور خوب از بد و احساس درست بود، مؤلفه استدلال‌گرایی و قضاوت درست، شامل رسیدن به بینش، ایجاد درک درست و تفکر انتقادی بود. مؤلفه شکفتن قابلیت‌ها شامل تعالی وجود؛ مؤلفه اصول عام و فراگیر شامل اصول اخلاق قراردادی؛ مؤلفه خودسازی و خودباوری شامل شهودگرایی، خودسازی درونی، خودپیروی و خودباوری؛ مؤلفه حکمت عملی شامل رفتارهای انسانی؛ و مؤلفه قانون‌مداری شامل توجه به قوانین و مقررات بود. جدول ۲ نشان می‌دهد با توجه به فراوانی مؤلفه‌های فرعی رشد اخلاقی، مؤلفه "اصول اخلاق قراردادی"، با دارا بودن بیشترین فراوانی (۷۵ فراوانی)، دارای اهمیت بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌هاست که نظام آموزشی و برنامه‌ریزان درسی باید به آن توجه کنند. زمینه کلی، مؤلفه‌های اصلی و مؤلفه‌های فرعی، در جدول شماره یک و دو ارائه شده است.

جدول ۱. بخشی از کدهای محوری، فراوانی تکرار محتوا در اسناد و مدارک و مشخص کردن

موضوعات اصلی رشد اخلاقی

فراوانی	مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی و فراوانی	مؤلفه‌های رشد اخلاقی
۹۲	بازشناسی امور خوب از بد و کشاندن به سوی ارزش‌ها	انتخاب و تصمیم‌گیری ۱۸ بایدها و نبایدها و کشاندن به سوی ارزش‌ها ۲۹ بازشناسی امور خوب از بد و احساس درست ۴۵	۱. انتخاب و تصمیم‌گیری ۲. بازشناسی عقاید درست ۳. برگزیدن عقاید درست ۴. کشاندن به سوی ارزش‌ها ۵. فرایند تعالی‌جویانه ۶. شکفتن قابلیت‌ها ۷. شکفتن، توسعه و تعالی وجود آدمی ۸. شکوفاسازی قابلیت‌ها ۹. ارائه بینش خاص
		رسیدن به بینش ۷ ایجاد درک درست ۶	

ادامه جدول ۱. بخشی از کدهای محوری، فراوانی تکرار محتوا در اسناد و مدارک و مشخص کردن

موضوعات اصلی رشد اخلاقی

فراوانی	مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی و فراوانی	مؤلفه‌های رشد اخلاقی
۵۹	استدلال‌گرایی و قضاوت درست	استدلال‌گرایی و تفکر انتقادی ۴۶	۱۰. شکوفاکردن استعدادها و قابلیت‌ها ۱۱. بازشناسی امور خوب از بد ۱۲. شکوفاسازی، تقویت و ایجاد قابلیت‌ها ۱۳. حکمت عملی ۱۴. توجه به مقررات ۱۵. اصول اخلاقی ۱۶. خودپیروی ۱۷. بایدها و نبایدها ۱۸. رسیدن به بینش ۱۹. خودسازی درونی ۲۰. خودباوری ۲۱. ایجاد احساس درست ۲۲. استدلال‌گرایی ۲۳. تزکیه نفس ۲۴. تفکر انتقادی ۲۵. تزکیه و تهذیب نفس ۲۶. رشد فضائل و مکارم اخلاقی ۲۷. اصول عام و فراگیر ۲۸. تفکر انتزاعی ۲۹. قانون‌مداری و نظم‌پذیری ۳۰. التزام به ارزش‌های اخلاقی ۳۱. ایجاد درک درست ۳۲. شهودگرایی ۳۳. تهذیب نفس ۳۴. استدلال اخلاقی ۳۵. خودشکوفایی ۳۶. استدلال ۳۷. شکوفاشدن استعدادها ۳۸. درک عمیق از مفاهیم اخلاقی ۳۹. خودشکوفایی ۴۰. تزکیه درون و ... تا ۳۸۸ جمله
۱۸	شکوفایی قابلیت‌ها	تعالی وجود ۱۸	
۷۵	اصول عام و فراگیر	اصول اخلاق قراردادی ۷۵	
۵۳	خودسازی و خودباوری	خودپیروی ۴ خودباوری ۱۵ شهودگرایی ۱۶ خودسازی درونی و تهذیب نفس ۱۸	
۱۸	حکمت عملی	رفتارهای انسانی ۱۸	
۱۴	قانون‌مداری	توجه به قوانین و مقررات ۱۴	

جدول ۲. زمینه کلی، مؤلفه‌های اصلی، مؤلفه‌های فرعی، فراوانی، درصد و رتبه ابعاد و مؤلفه‌های رشد اخلاقی

ردیف	مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی	فراوانی	درصد	رتبه
۱	بازشناسی امور خوب از بد و کشاندن به سوی ارزش‌ها	انتخاب و تصمیم‌گیری	۱۸	۵,۶۰	۵
۲		بایدها و نبایدها و کشاندن به سوی ارزش‌ها	۲۹	۹,۰۳	۴
۳		بازشناسی امور خوب از بد و احساس درست	۴۵	۱۴,۰۱	۳
۴	استدلال‌گرایی و قضاوت درست	رسیدن به بینش	۷	۲,۱۸	۱۰
۵		ایجاد درک درست	۶	۱,۸۶	۱۱
۶		استدلال‌گرایی و تفکر انتقادی	۴۶	۱۴,۳۳	۲
۷	شکوفایی قابلیت‌ها	تعالی وجود	۱۸	۵,۶۰	۵
۸	اصول عام و فراگیر	اصول اخلاق قراردادی	۷۵	۲۳,۳۶	۱
۹	خودسازی و خودباوری	خودپیروی	۴	۱,۲۴	۱۲
۱۰		خودباوری	۱۵	۴,۶۷	۷
۱۱		شهودگرایی	۱۶	۴,۹۸	۶
۱۲		خودسازی درونی و تهذیب نفس	۱۸	۵,۶۰	۵
۱۳		حکمت عملی	رفتارهای انسانی	۱۸	۵,۶۰
۱۴	قانون‌مداری	توجه به مقررات و قوانین	۱۴	۴,۳۶	۸

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با انجام بررسی‌ها و مطالعات مکرر در مبانی نظری و پیشینه‌های جهانی مرتبط با موضوع پژوهش، مؤلفه‌های رشد اخلاقی، تبیین شد. با تحلیل و ادغام مؤلفه‌های به‌دست‌آمده، ۷ مؤلفه اصلی و ۱۴ مؤلفه فرعی رشد اخلاقی استخراج شد. برای مقایسه میزان اهمیت هریک از مؤلفه‌های فرعی، درصد و سپس رتبه هر کدام از مؤلفه‌ها، با توجه به فراوانی‌های به‌دست‌آمده، تعیین شد. به‌طوری‌که بین مؤلفه‌های فرعی رشد اخلاقی، مؤلفه انتخاب و تصمیم‌گیری با ۵/۶٪ در رتبه ۵؛ بایدها و نبایدها و کشاندن به سوی ارزش‌ها با ۹/۰۳٪ در رتبه ۴؛ بازشناسی امور خوب از بد و احساس درست با ۱۴/۰۱٪ در رتبه ۳؛ رسیدن به بینش با ۲/۱۸٪ در رتبه ۱۰؛ ایجاد درک درست با ۱/۸۶٪ در رتبه ۱۱؛ استدلال‌گرایی و تفکر انتقادی با ۱۴/۳۳٪ در رتبه ۲؛ تعالی وجود با ۵/۶٪ در رتبه ۵؛ مؤلفه اصول اخلاق قراردادی با ۲۳/۳۶٪ در رتبه ۱؛ خودپیروی با ۱/۲۴٪ در رتبه ۱۲؛ خودباوری با ۴/۶۷٪ در رتبه ۷؛ شهودگرایی با ۴/۹۸٪ در رتبه ۶؛ خودسازی درونی و تهذیب نفس

با ۵/۶٪ در رتبه ۵؛ رفتارهای انسانی با ۵/۶٪ در رتبه ۵؛ و مؤلفه توجه به مقررات و قوانین با ۴/۳۶٪ در رتبه ۸ قرار دارد. باتوجه به درصد و رتبه هریک از مؤلفه‌ها، مؤلفه اصول اخلاق قراردادی، دارای اهمیت و لزوم بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌هاست.

لازم به ذکر است، مؤلفه‌های رشد اخلاقی مطرح‌شده، در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران و محققان مورد تأیید است. از جمله (خدایار، ۱۳۹۲؛ کیلن و اسمیتانا، ۲۰۱۵؛ هورنبرگ، ۲۰۱۵؛ نارواتز و مارکوا، ۲۰۱۴؛ اندرسون، ۲۰۱۳؛ امیدی و فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴؛ حسنی، ۱۳۹۵؛ حسنی و وجدانی ۱۳۹۶). همچنین، برخی از مؤلفه‌های رشد اخلاقی، در محتوا و برنامه درسی برخی کشورها از جمله ژاپن، غنا و ایران، آموزش داده می‌شود. بنابراین، آموزش این مؤلفه‌ها می‌تواند به بهبود یادگیری و کاربرد مؤثر مفاهیم اخلاقی بینجامد. لذا، باتوجه به اینکه دانش‌آموزان دوره اول متوسطه حساس‌ترین مراحل رشدی خود را سپری می‌کنند، لازم است مؤلفه‌های رشد اخلاقی مطرح‌شده، به آنان آموزش داده شود تا بتوانند اطلاعات و مهارت‌های لازم را در رابطه با اخلاق و مفاهیم اخلاقی، مطابق با نیاز خود کسب نمایند.

بنابراین، برای تحقق چنین هدفی و باتوجه به لزوم و اهمیت آموزش مفاهیم اخلاقی در مدارس، لازم است مؤلفه‌های رشد اخلاقی شامل انتخاب و تصمیم‌گیری، پایدها و نیایدها، بازشناسی امور خوب از بد و احساس درست، رسیدن به بینش، ایجاد درک درست، استدلال‌گرایی و تفکر انتقادی، تعالی وجود، اصول اخلاق قراردادی، خودپروی، خودباوری، شهودگرایی، خودسازی درونی و تهذیب نفس، رفتارهای انسانی و مؤلفه توجه به مقررات و قوانین، در تدوین برنامه درسی دوره اول متوسطه، مورد توجه قرار گیرد.

در مجموع، یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد، دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه، دارای ویژگی‌های خاصی هستند. آنان تفکر انتزاعی و تحلیلی دارند؛ می‌خواهند مستقل و متکی به خود باشند؛ تابع قوانین اکثریت هستند و دوست دارند فعالیت‌ها با همکاری صورت گیرد. این دوره سنی مستلزم کمک به فرد است که تعارض‌های ارزشی خود را حل کند. در دوره سنی دوازده تا پانزده سال، فرد می‌تواند موقعیت‌های فرضی را در نظر بگیرد، به ایدئال‌هایش بیندیشد و انتقادپذیر و واقع‌گرا باشد (زندوانیان، ۱۳۹۴). علاوه بر این، فلسفه تربیت اسلامی، یکی از اساسی‌ترین بخش‌های معارف اسلامی است. همچنین در نظام آموزش و پرورش ایران، سعی بر آن است که تربیت دانش‌آموزان، ماهیتی اسلامی داشته باشد (باقری، ۱۳۹۵). همچنین نایتو (۲۰۱۳) بیان می‌دارد، رشد

اخلاقی بر ظهور و تغییر اخلاق از تولد تا بزرگسالی متمرکز است؛ اخلاق در طول عمر رشد می‌کند و تحت تأثیر تجربه فردی و رفتار آنها قرار می‌گیرد. همچنین وجدانی و همکاران (۱۳۹۳) بیان می‌دارند، تربیت اخلاقی، عامل شکوفایی استعداد های علمی و عملی اخلاق است و پرورش شخصیتی آراسته به فضایل اخلاقی را مدنظر دارد.

بنابراین، توجه به مؤلفه‌های رشد اخلاقی و آموزش آن به دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، می‌تواند نگرش‌ها، عادت‌ها و رفتارهای نابی را در آنان ایجاد نماید و ارزش‌های اخلاقی و معنویت را در وجودشان نهادینه سازد و آنان را از بحران هویت و اخلاق، رهایی بخشد.

منابع

- اردبیلی، فاطمه و بهشتی، سعید (۱۳۹۳)، نقد و بررسی رویکرد تلفیقی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (بر مبنای فلسفه اسلامی)، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ۶، ش ۱: ۲۴ - ۵.
- امیدی، محمود و فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله (۱۳۹۴)، پژوهشی در اصول و روش‌های تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی و زان ژاک روسو، فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق، سال ۵، ش: ۶۳ - ۳۷.
- باقری، خسرو (۱۳۹۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
- باهنر، ناصر (۱۳۹۴)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
- بهشتی، سعید (۱۳۹۰)، کاوش‌هایی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای شماری از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدرالمتألهین، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال ۷، ش ۲۶: ۱۶۴ - ۱۴۳.
- حسنی، محمد (۱۳۹۵)، بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی، فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال ۱۱، ش ۲۲: ۵۱ - ۲۵.
- حسنی، محمد و وجدانی، فاطمه (۱۳۹۶)، تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر تربیت اخلاقی، فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال ۱۲، ش ۲۵: ۵۴ - ۲۹.
- خدایار، نصراله (۱۳۹۲)، بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی، فارسی و هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی.
- رضا خلیج‌زاده، مجید (۱۳۹۴)، نقش رشد اخلاقی در حل و فصل مشکلات اخلاق حرفه‌ای، فصلنامه آزمایشگاه و تشخیص، ش ۲۷: ۳۹ - ۳۳.
- زندوانیان، احمد؛ طیبی، راضیه و رسولی، رؤیا (۱۳۹۴)، نظریه رشد ایمانی فاولر به‌عنوان چارچوبی برای تربیت دینی، فصلنامه ادیان و عرفان، سال ۴۸، ش ۱: ۷۹ - ۶۷.
- سلحشوری، احمد و خنکدارطراسی، معصومه (۱۳۹۲)، چالش‌ها و افق‌های نظریه پیچیدگی برای تربیت دینی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ش ۲۴.

- سند تحول بنیادین (۱۳۹۰)، تهران: شورای ملی آموزش و پرورش.
- شاملی، عباسعلی؛ ملکی، حسن و کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، برنامه‌درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های اسلامی، سال ۳، ش ۲: ۹۸ - ۷۷.
- ضیایی مؤید، محمد و شرفی، محمدرضا (۱۳۹۵)، شهودگرایی و استدلال‌گرایی در فلسفه اخلاق و تربیت اخلاقی، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه اخلاق، سال ۹، ش ۳۱: ۵۲ - ۳۱.
- کریمی، ناهید؛ کاظمی، محمود؛ آقاییاری، سکینه و مداح کرانی، سیده‌زهرا (۱۳۹۱)، بررسی فرایند رشد اخلاقی از منظر تحول شناختی، سومین همایش ملی سهروردی، دانشگاه زنجان: ۱۰ - ۱.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۷)، شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی، فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۳، ش ۶: ۱۲۲ - ۹۳.
- ملکی، حسن (۱۳۹۴)، مبانی و اصول تربیت، تهران: آبیژ.
- مهدوی، محمدصادق و زارعی، امین (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان به ارزش‌های اخلاقی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال اول، ش ۳: ۲۱ - ۱.
- وجدانی فاطمه (۱۳۹۱)، تحلیل مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی و ارائه الگوی نظری جهت کاهش شکاف میان معرفت و عمل اخلاقی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- وجدانی، فاطمه؛ ایمانی نائینی، محسن؛ اکبریان، رضا و صادق‌زاده قمصری، علی‌رضا (۱۳۹۲)، ماهیت تربیت اخلاقی از نظر فردی یا جمعی بودن از دیدگاه علامه طباطبایی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۱، ش ۱۸: ۲۳ - ۱۱.
- وجدانی، فاطمه؛ ایمانی نائینی، محسن و صادق‌زاده قمصری، علی‌رضا (۱۳۹۳)، بررسی انتقادی سه دیدگاه رایج تربیت اخلاقی براساس دیدگاه علامه طباطبایی، فصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال ۲، ش ۲.
- Anderson Jnr, George (2013). Religion and Morality in Ghana: A Reflection. Global Journal of Arts Humanities and Social Sciences. Vol.1, No.3, pp.162-170.
- Hornburg, Kristoffer (2015). Moral Education in Japan. The Coming of a New Dawn, Abe's New Moral Education. University Oslo Fall. 2015.
- Killen, Melanie. Smetana, Judith G (2013). Origins and Development of Morality. vol3. 7. pp 701- 749.
- Maxwell, Bill (2014). Religious and Moral Education. Education Scotland. Pp. 1- 60.
- Naito, Takashi (2013). Moral Development. Ochanomizu University. pp. 1-11.
- Narvaez, Darcia. Mrkva, Kellen (2014). The Development of Moral Imagination. Creative moral imagination. The Ethics of Creativity. pp. 25-45.
- Norenzayan, Ara (2013). Does religion make people moral? Department of Psychology University of British Columbia. pp. 365-384.
- Parker, s (2009). Faith development theory as a context for Supervision of spiritual and religious issues. Counselor education and supervision. 49. 1. Pp. 39-53.
- Taleff, Michael. J (2011). Advanced Ethics for Addiction Professionals. Springer publishing.

